

## بنام ایران

### پروژه آمریکایی تحکیم جمهوری اسلامی و تخریب ایران پذیرش رهبری نجات ایران از سوی رضا پهلوی

ایالات متحده آمریکا به دلایلی چند با یک برنامه ریزی دراز مدت و پیچیده و البته بسیار دقیق و با یاری مستقیم انگلستان چند کشور اروپایی و عربی و همگامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ژاپن و هزینه کردن صدها میلیون دلار و بهره جویی از عوامل آشکار - جبهه ملی، حزب توده، فداییان اسلام، کمونیستها، اسلامیت ها، فراماسونها، مجاهدین ... - و مزدوران و خود فروخته های پنهان - فردوست، قره باغی، شریف امامی، جمشید آموزگار و اکثریت اعضای کابینه آمریکایی او، داریوش همایون، ناصر فرید = رییس دفتر ویژه اطلاعات شاهنشاهی و رییس ستاد ارتش جمهوری اسلامی با درجه سرلشگری - سید حسین نصر، پرفسور یحیی عدل و خیل جاسوسان از ریز و درشت در سازمانهای کشوری و لشکری و ملی و حتی در بخش خصوصی و اقتصادی و دانشگاهی - و به کار گیری سیاست مودیان و ردیلانه < نعل وارونه > و < خنجر از پشت >، نظام تاریخی و قانونی و مردمی و مشروع پادشاهی را در ایران زمین ساقط و با یک سزارین خونین رژیم خون و جنون < جمهوری اسلامی > را با برادر توأمان آن < تروریسم دولتی > بر سرکار آورد و ایران را به ورطه نابودی سوق داد، سیاستهای استعماری آمریکا گاه آرام و بی صدا و گاه وقیحانه و زورگویانه و بی توجه به افکار جهانیان و مردم ستمدیده مناطق مورد ستم، و هراز گاهی با تغییر و تجدید نظر اعمال میشود، اما، آنچه که دستخوش دگرگونی هرگز نشده است پیگیری سیاست تحکیم و حفاظت رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی و خنثی سازی تلاشها و دلسرد و منزوی کردن شهیاران [ = سلطنت طلبان ] و انهدام و به بن بست کشاندن کانون های مبارزه و مقاومت آنان در درون و برون ایران بوده است.

در شرایطی که سکوت و سکون بر مبارزه برای رهایی میهن در تمامی جبهه ها و تشکل ها سایه افکنده بود و بویژه شهیاران، همچنان در تاریکی بیگانگان، چیستان ( رهبری ) و ( پادشاهی )، سخت گرفتار بوده و راه بجایی نمی بردند و در بن بست پیوسته پُر رمز و راز قرار داشتند و همه بر این رای متفق بودند که این گره کور میتواند منحصرأ به دست رضا پهلوی گشوده شود و در این راستا نیز تلاش های بسیاری از پیش صورت گرفته بود، رضا پهلوی که ما او را به دلیل اتیان سوگند و تاریخ و سنت و منش و فرهنگ ایرانی، پادشاه و رهبر میدانیم و با استفاده از روشها و راه کارهای گوناگون بارها از ایشان خواسته بودیم که ( رهاننده ایران زمین ) باشند، در یک حرکت میهن پرستانه و بی سابقه رهبری نجات ایران را پذیرفتند، با این نوید که بسیار زود این قول به قوه در خواهد آمد.

اینکه پذیرش رهبری نجات ایران که در چند گفتگو و مصاحبه با رسانه های مختلف بین المللی تکرار شده است عملی خواهد شد و یا همانند بسیاری از قول ها و حرف های پیشین به باد فراموشی سپرده خواهد شد مقصود ما نیست، قصد هشداری است جدی به هموطنان غیرتمند و بویژه شهیاران دلیر که مراقب حرکات دشمن و حيله های آنان باشند و با هر امکانی به مقابله و رویارویی با آنان همت کنند که سکوت در این بُره حساس و تاریخی روا نیست.

از زمانیکه رضا شاه دوم اعلام کردند که کشتیبان را سیاست دگر آمده است و ایشان دیگر اشغال سرزمین ایشویی و اسارت فرزندان آریا خاک را بر نمی تابند، ناگهان عملیات و طرح ها و آمد و شدها و کنگره ها براه افتاد و همزمان سر کیسه بودجه آمریکایی اختصاص یافته برای پشتیبانی از اپوزیسیون ایرانی بر علیه جمهوری اسلامی شل شد و سیل دلار به سوی مزدوران وطن فروش روانه گشت تا قبول رهبری را نخست به وقفه افکنند و سپس با زور و ریا رضا شاه دوم را به سکون و سکوت وادارند و فعالیت های او را تحت تأثیر قرار دهند، روحیه و امید را در میان مردم ایران و شهیاران از بین ببرند، از رژیم خونخوار جمهوری اسلامی حفاظت کنند، سران حکومتی و مردم ممالک دیگر را مرعوب کنند و سرانجام قدرت نمایی کنند و خود را خداوندگار جهان بشناسانند.

عملیات آمریکا و شرکای اروپایی آن نه زیاد پیچیده است و نه نام رمزهای گنذر و فونیکس و دلنا و آلفا دارد، چرا که آنها تا کنون موفق شده اند به سادگی اکثریت قاطعی از ایرانیان را با روش ها و ترفندهای گوناگون به سکوت کشانده و به تماشا وادار کنند، و در این راستا تنها سد ستبر و غیر نفوذ راه آنها، همان دلیل باشندگی و جاودانگی ایران زمین در درازای تاریخ، ناسیونالیسم ایرانی و آیین پادشاهی است. که جهانخواران و رژیم خونین مرفقان اسلامی بهایی برای آن متصور نبودند و آتش آن را در دل ایرانیان خاموش شده میپنداشتند. زهی خیال باطل، همو چشم اسفندیار اینان شد و طرح ها و برنامه هایشان را به شکست کشید.

شکست طرح نابودی تداوم آیین پادشاهی، شکست سازمان های ایرانی استعمار ساخته، شکست طرح های حفاظت و تخریب، شکست مأموران ایرانی عضو و بازرسان سازمان اطلاعات مرکزی امریکا، شکست طرح های اعضای ایرانی لژهای فراماسونری، شکست واژه سازی مشروطه و مستبد، شکست برنامه از میان بردن قانون اساسی مشروطه، شکست برنامه تهاجم به فرهنگ و تاریخ و سنت ایرانی، شکست حزب بیگانه ساخته مشروطه داریوش همایون، شکست طرح های استعماری و استعماری رسانه های لندن و لوس آنجلسی، شکست طرح مشهور به هخا، شکست طرح دولوی دفاع از پادشاهی و افشای اسلام معروف به انجمن پاشاهی، شکست طرح تشویق شرکت در برنامه های انتخاباتی جمهوری اسلامی، شکست اصلاح طلبان در ایران - سران آنها امروز بیشتر در آمریکا به سور چرانی و استراحت مشغول هستند - شکست طرفداران اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی، شکست جنبش دموکراسی خواهی، شکست قهرمان سازی در درون ایران، شکست خواستاران رفراندوم اسلامی، شکست لابی های جمهوری اسلامی غاصب در آمریکا و اروپا، شکست کنفرانس واشینگتن برای تجزیه ایران، شکست برنامه رادیو تلویزیون های محلی در دفاع از رژیم اسلامی، شکست برنامه ممنوع شدن اعدام و توبه و بخشش عاملان نابودی ایران، شکست طرح عفو عمومی ایرانیان خارج از کشور و شمار زیادی دیگر از این دست.

سخنان رضا شاه دوم ناقوس هشدار را در گوش آمریکا و شرکا به صدا درآورده است، منافع استعماری آنها در خطر و رژیم دست پرورده آخوندیشان در سرایشی سقوط قرار گرفته است، شماری از طرح های حفاظت از جمهوری خون و جنون به شکست انجامیده، گروه زیادی از شهیاران و میهن پرستان از داخل و خارج کشور پشتیبانی خود را از رضا شاه دوم اعلام کرده اند - یکی مرد جنگی به از صد هزار - و آماده آغاز نبرد سرنوشت ساز هستند، پس باید آمریکا چاره ای بیاندیشد و ترفندهای تازه ای با بازیگران جدید، مکار، آدم فروش، دشمن ایران و ایرانی و مورد وثوق و گوش به فرمان آمریکا - انگلستان و اتحادیه اروپایی دیگر دارای توان لازم نیستند - و با کمک رسانه های آمریکایی و خودی ایرانی و مُسنتی دلار، پروژه ای را برای پیشگیری از آغاز عملیات رهایی ایران و سرکوب شهیاران و وطنپرستان و به کژ راهه کشاندن آنان کارگردانی و تحمیل کند، بنابراین:

شهریار آهی دوباره به دبیرخانه شاه نزدیک میشود و به برپایی چند نشست سیاسی؟ در برلن و لندن می پردازد و میخواهد در اروپا جمع اضعاد کند و تمامی گروه ها و منفردین را با هر اندیشه و باوری متحد کند و مبلغ رفراندوم میشود. اکبر گنجی از عمله های فاجعه سال 1357 خورشیدی، عضو سپاه پاسداران اسلامی، بازجوی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و ... از زندان آزاد میشود و به اروپا و آمریکا میاید و سخنرانی میکند و با استفاده از تریبون های استعماری انزجار و دشمنی خود را با نظام پادشاهی و ولایت فقیه اعلام میکند و پاسخ هم نمیدهد که هزینه گزاف سفر و روایدهای خود و خانواده اش را از کجا و چگونه بدست آورده است. اعتصاب غذا میکند و مأمور است افکار عمومی را از حرکت شاه منحرف کند و تمامی داستان او تبلیغ و مغز شویی برای مخالفت با ( پادشاهی ) است. اصلاح طلبان سابق و حزب الهی های اسبق در آمریکا گرد هم میایند تا طرحی نو افکنند و به تبادل نظر؟ و گفتگو میپردازند با ( پادشاهی ) دشمنی می کنند و در این هنگامه ناگهان یک شارلاتان سیاسی مرتکب بر پای کنگره همبستگی ایرانیان با همان ایده های آهی در واشنگتن میشود و رسانه های ایرانی و آمریکایی تحت امر سی.ای.ای تمام خبر را چنان پوششی میدهند و غلو و تملق و بزرگ نمایی میکنند که مواجهه با تعجب و واکنش حتی اکثریت خاموش ایرانیان شده و بر همه روشن میشود که این کنگره پروژه ای آمریکایی و با عملگی چند وطن فروخته برای توقف مبارزه و تحکیم رژیم اسلامی است و تعقیب همان سیاست معروف آمریکایی نعل و وارونه.

در هنگامه فاجعه آخوندی سال 1357 اگر سران شورش به کاخ سفید میرفتند، اگر ارتباط آنها با مقامات بیگانه آشکار میشد، اگر دریافت پول هنگفت از بیگانگان به آگاهی ایرانیان میرسید، اگر آمریکا با ساز و دُهل اعلام میکرد که برای سقوط شاهنشاهی ایران تلاش و برنامه ریزی میکند و بودجه مخصوصی اختصاص یافته است، اگر آخوندان جنایتکار آشکارا خود را بنده و زرخیز اجانب می شناساندند و از آنها التماس یاری و بذل توجه داشتند و اگر تروریستهای حاکم بر نیا خاک، نوکری و مزدوری برای بیگانه را مایه مباهات و سرافرازی خود و خانواده خود میدانستند، به یقین و بی هیچ گمانه پروری فاجعه شوم 28 سال پیش روی نمیداد و اساسا آخوند را کسی تحویل نمیگرفت و مردم پی به حقایق امور میبردند.

امروز، امّا، به وارون آن رویداد تلخ و دردناک، همه کارها و اقدامات آشکارا و بدون پرده پوشی و همراه با ساز و نقاره پیش میرود که روشن است آمریکا سر مخالفت و براندازی رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را ندارد بلکه دقیقاً بر سر نگهداری و نگهداری این رژیم است و بر افکنی حتی اندیشه پادشاهی و شهیاران به هر صورت ممکن، و در این راه از هیچ جنایت و حيله و ناراستی رویگردان نیست، آخر اگر به سان سقوط نظام پادشاهی که همه عملیات و دیدارها و تماس ها کاملاً سّری بود، اگر موضوع سرنگونی آخوندان مطرح بود به این همه تبلیغ و صدا - برنامه های تلویزیون فارسی صدای آمریکا، رادیو فردا، بی.بی.سی ... - نیازی نبود. برآستی که همه را سر کار گذاشته اند و این ادامه همان

سیاست نعل وارونه است. جیمی کارتر با پشتیبانی دروغین و ریاکارانه از شاهنشاه آریامهر، که شاهنشاه میدانستند نعل وارونه امریکایی است، بدرستی به قلب ناسیونالیسم ایرانی یورش بُرد و زمینه را برای ویرانی ایران مهیا کرد. بهر روی، امروز بار دیگر به فرنود سخنان رضا شاه دوم مبنی بر پذیرش رهبری نجات ایران، ماشین سنگ شکن استعمار به کار گرفته شده است تا این قول به انجام نرسد. برپایی کنگره ای بنام همبستگی ایرانیان در واشینگتن یکی از دستاوردهای این ماشین است که با مقدمه ای به اجمال به آن میپردازیم.

بر کسی پوشیده نیست که کابینه امریکایی جمشید آموزگار - البته با استثنای چند وزیر میهن پرست - که وسیله سقوط کابینه هویدا را فراهم کرد و به شاهنشاه آریامهر بعنوان نخست وزیر تحمیل شد، جاده بازکن و هموار کننده راه فرو ریزی نظام پادشاهی و شورش آخوندی بود و نظر به اعتمادی که دولت آمریکا و بویژه سیا و رهبران حزب دموکرات به او داشتند پس از فراری دادن و اسکان او در آمریکا، بیشترین کنکاش و رایزنی در امور ایران همیشه با نظر و انجام شده است و بنابر این پاسخگوی بسیاری از دردها و مشکلات شهیاران و ایران اوست. او هیچگاه در پهنه سیاسی و مبارزاتی بر علیه جمهوری اسلامی نه حرکتی کرده و نه فعالیتی داشته است. سیاه بازی گروگانگیری او و شیخ ذکی یمانی بدست کارلوس، خرابکاری در کار حزب رستخیز و گفتگوهای نفتی شاهنشاه با شرکت‌های نفتی، انتشار نامه مشهور رشیدی مطلق بدست همایون از یادها نرفته است. داریوش همایون وزیر کابینه هموست که وطن‌فروشی و خیانت او بر احدی پوشیده نیست و جهانگیر آموزگار برادر او است که با سمت کارمندی بانک جهانی برای تنظیم و بهبود وضع اقتصادی جمهوری اسلامی و دادن وام با بهره کمتر بارها رهسپار تهران شده و آخوند ها را هدایت کرده است.

با بی‌آبرویی و سرافکنندگی که همایون به بار آورده بود و به دلیل بد نامی او، جمشید آموزگار برای انجام پروژه سفارشی اربابان امریکایی صلاح دید از یک شارلاتان سیاسی دیگر که وزیر کشور کابینه او بود استفاده کند و او را مأمور با مواجب و مزایای این خیانت آشکار کند. اسدالله نصر اصفهانی بدون درنگ طرحی از آستین بیرون کشید که بر اساس آن چند تن از رجال معمر را به عنوان <معمتد > انتخاب؟ و آنها ضمن تماس با مبارزان برای اتحاد و همبستگی میان شخصیت ها و گروه های با عقاید گوناگون و متضاد با یکدیگر تلاش کنند. در همان گام نخست چند تن از رجال میهن پرست که به گونه طرح واقف بودند همکاری و همفکری و ارتباط با این پروژه را رد کردند و دو تا سه معتمد!؟ دیگر همچون جهانگیر آموزگار نیز با عدم استقبال و یورش مبارزان مواجه شدند که بنابر این، طرح معتمد سازی در گام نخست به شکست انجامید. نصر اصفهانی طرح دیگری که با یاری سیا در آستین دیگر داشت رو کرد و خود بوسیله چند دلال و دلاله با افرادی در آمریکا و اروپا تماس گرفت و چند (کنفرانس تلفنی) برگزار کرد و حاصل آنکه گروهی میهن پرست با شناختی که از این پروژه بدست آوردند بی‌درنگ ارتباط خود را با او قطع کردند و گروهی بدام افتادند و سرانجام برای فریب مردم یک شبه بیش از بیست سازمان سیاسی را که وجود خارجی نداشتند اعلام موجودیت کردند و چند گروهی که از سالها پیش دیگر فعال نبودند و از بین رفته بودند و امروز بوی کباب شنیده بودند یکفوره به پروژه پیوستند. البته مخالفان و افشاگران پروژه‌های هم بی‌نصیب نماندند و یکباره حملات ناجوانمردانه و اتهامات بی‌پایه ای بدستور نصر اصفهانی در اینترنت و برخی رسانه ها بر علیه آنها صورت گرفت و جلوه زیبای دموکراسی پروژه به نمایش درآمد.

کیست که با اتحاد و همبستگی و یکدلی مخالف باشد، اما پرسش‌هایی مطرح است که طرفداران زورکی اتحاد حاضر به پاسخگویی نیستند که این اتحاد با کی و چگونه و در چه زمان و مکانی باید صورت بگیرد، آخر چگونه و با چه منطقی میتوان با دشمنان سوگند خورده ایران و ایرانی و پادشاهی ایران و معماران و عمده های فاجعه 1357 و راه بازکنندگان اشغال کشور توسط استعمار و حاکم کردن آخوندان تروریست و آدمکش به اتحاد و یکدلی رسید. این وطن‌فروشان شرفباخته نه تنها ما را در بر کردند، هستی ما را به یغما بردند، اعضای خانواده و بستگان و دوستان و بهترین فرزندان ایران را به جوخه های تیرباران سپردند بلکه، بی هیچ تردید، در تمامی جنایات ها، تجاوزها، غارت منابع ایران، فروش دختران و پسران ایرانی به بیگانگان و تازیان، اعتیاد، فحشاء، بیکاری، ارتشاء، گرسنگی، فقر، فروریزی ارزشها، شکنجه، جنگ، نابودی ایران و جوانان میهن در تمامی سالهای حکومت آخوندی شریک و مستوجب مجازات سخت هستند و هیچ عذر و بهانه ای از آنها پذیرفتنی نیست. حال اسدالله خان و دیگر گماشتگان آمریکا میخواهند آب توبه بر سر آنها بریزند و تطهیر شان کنند، شهیاران را خفه کنند و تیر خلاص را به پیکر غرق به خون ایران بزنند.

برای چاپ و پوشش خبری کنگره، دعوت به شرکت و اعلام مواضع و اهداف این جریان و نام افراد پیوسته به آن و برگه ثبت نام و گفتگوها و گزارش و آگهی در رسانه های ایرانی، هزینه سنگینی که معمول نبود پرداخت شد و سرانجام کنگره با یاری دلالان در واشینگتن و زیر سایه کاخ سپید نشستگان برپا شد، برای بُرخ کشیدن امریکایی بودن قضیه دو پرچم آمریکا در دو طرف پرچمهای ایران افراشته شده بود و از تمثال های پادشاهان پهلوی، سرود شاهنشاهی و حتی نقشه ایران اثیری نبود در حالی که اکثریت قاطع شرکت کنندگان مدعی سلطنت طلبی هستند و پادشاهان پهلوی را معبود

و بُت خود میدانند که صدایی از آنها در نیامد. قرار بر این بود که هر شرکت کننده پنجاه دلار برای ثبت نام و کمک به هزینه انجام برنامه بپردازد که البته کسی هم نپرداخت چرا که برای این پروژه، آمریکا، دو میلیون دلار اعتبار در اختیار گماشتگان از محل بودجه بیست میلیون دلاری کمک به مخالفان جمهوری اسلامی، قرار داده بود که برای آگاهی بیشتر از امور مالی این خیمه شب بازی، بخشی از گزارش خبرنگار نشریه " ایرانیان " چاپ واشینگتن شماره 277، جمعه دوم تیرماه 1385 صفحه 13 را وام میگیریم. « هزینه برگزاری دو روزه کنگره همبستگی ایرانیان نسبت به گردهمایی ها و کنفرانسهای مشابه بسیار بالا و سنگین بود. اجاره محل برگزاری آن بالغ بر رقمی حدود 20000 دلار و هزینه سرشکن کردن و مابه التفاوت غذایی که در نخستین روز به حاضران در کنگره عرضه شد در حدود 5000 دلار بود. علاوه بر این، هزینه سفر و اقامت در هتل حدود 30 تن از کسانی که از اروپا و ایالات مختلف آمده بودند، به دلیل عدم توانایی شخصی آنان در پرداخت این هزینه ها، از سو برخی از اعضای داوطلب عضو کنگره پرداخت شده بود.»

این اطلاعات را ایرج آرین پور معاون پیشین وزارت اطلاعات و بازرگانی نظام پادشاهی و دبیر روابط عمومی کنگره کذایی داده است و اضافه کرده که قرار بوده شخصیتها و نمایندگان مجلس و سناتورهای آمریکایی را دعوت کنیم که کمیته برگزاری موافقت نکرد. یعنی آش آن اندازه شور بود که خان با تمام بی شعوری فهمید. ایرج آرین پور همان نمک ناشناسی است که در برنامه بخش فارسی رادیو اسرائیل بارها به نظام پادشاهی حمله کرده و به شاهنشاه آریامهر بی شمار توهین کرده و دروغ گفته و اتهامات کذبی وارد کرده است. ایکاش یکی از داوطلبان پرداخت هزینه ها خودش را معرفی میکرد و با شجاعت و درستی به چند پرسش ما پاسخ میداد.

جریان همبستگی که بزودی تشکیلات؟! خود را براه خواهد انداخت و هزینه گزافی صرف ایجاد کانون های محلی یا در حقیقت خرید سیاه لشکر خواهد کرد، در به اصطلاح بیانیه های خود چند امر بدیهی که حرف و حدیثی در مورد آنها نیست برای رد گم کردن آورده از جمله، تمامیت ارضی، اعتقاد به حقوق بشر، براندازی جمهوری اسلامی - البته به چه شکل روشن نیست - ، دموکراسی، استقلال و از این دست. اما رندانه سه هدف اصلی مورد نظر و دستورالعمل را که از پیش توافق و تصویب شده است، باید زمینه چینی و به انجام برساند.

- 1- از میان برداشتن ( تداوم مشروطه پادشاهی و مشروعیت آن ) و ( قانون اساسی مشروطه ایران )
- 2- فدرالیسم
- 3- موکول کردن نوع نظام سیاسی کشور بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی غاصب با انتخاب مردم

کوتاه اینکه به هر شکل ممکن باید خط بطلان روی مورد اول کشیده شود و برای همیشه از یادها رخت بریندد - مأموریتی که داریوش همایون و شاهین فاطمی نتوانستند به انجام برسانند - . اعتقاد به فدرالیسم هم یعنی آماده کردن بستر فکری و زمینه چینی برای تجزیه ایران. تعیین نوع نظام هم به معنی در اختیار آمریکا قرار گرفتن کامل مام میهن که هر چه خواست و سیاست روز جهانی ایجاب کرد انجام دهد از جمله جنگ داخلی و کشتار ایرانیان بدست یکدیگر به دلیل عقاید مخالف و از سویی دلسرد کردن مبارزان که برای چه می جنگند و از میدان راندن آنها و نیز آمریکا میتواند به آسانی با امکانات مالی و فنی و تبلیغی - برنامه های مغز شویی رادیو و تلویزیونی ماهواره ای و اینترنت - و استفاده از وطنفروشان ایرانی و نیروهای ملیتهای دیگر - تجربه فاجعه 1357 و دخالت فلسطینیان - و بکار گیری آدمکهایی که در برابر یک وعده غذای گرم همسر و فرزند خود را می فروشند و ...

زشت ترین و دردناکترین عمل بی شرمانه این کنگره سوء استفاده از نام ( رضا شاه دوم ) بوده است که باز هم از گزارش نشریه ایرانیان مدد میگیریم :

« بامداد روز چهارشنبه، روز پس از کار کنگره، تعدادی از شورای نجات ملی در منزل مسکونی یک عضو این شورا در مرینند گرد آمده و با شاهزاده رضا پهلوی ملاقات و گفتگو کردند. بنا به گفته یکی از حاضران در این جلسه که مایل به ذکر نام خود نبود، شاهزاده رضا پهلوی در این دیدار به اعضای منتخب شورای نجات ملی گفت که با طرح موضوع براندازی رژیم جمهوری اسلامی به گونه ای که در بیانیه های کنگره همبستگی ایرانیان آمده موافق نیست و این امر را موکول به تصمیم مردم ایران در داخل کشور میداند.»

یکی از اعضای ناشناس! شورای باصطلاح نجات ملی از راه نرسیده اتهام بسیار سنگینی متوجه رضا شاه دوم میکند و میگوید شاه با براندازی جمهوری اسلامی موافق نیست. تا این زمان هیچ اطلاعیه ای از سوی دبیرخانه رضا شاه دوم و کنگره کذایی دال بر ملاقات با اعضای باصطلاح نجات ملی و گفته ایشان و اینکه چرا شاه بدیدار مخفی آنها رفته و چرا

آنها بیدار ایشان نرفته اند و چرا در یک خانه امن و اساسا ملاقات گفته شده صورت گرفته است یا خیر؟ منتشر نشده است. اما، گفتنی است، اسدالله نصر اصفهانی در چند گفتگوی رسانه ای فارسی زبان، صریحا اعتراف کرده که چندی بعد از برپایی کنگره، به فراخوان کاخ سفید همراه با تنی چند از ایرانیان وابسته به سیاست آمریکا و تجزیه طلبان که عضو کنگره نبوده اند، در جلسه ای با حضور بلند پایگان آمریکایی شرکت کرده و برای رویارویی؟! با جمهوری اسلامی مشورت کرده اند. با این اعتراف نیازی به شاهد و سند برای گماشتگی او نیست، البته ایشان فراموش کرده که اعتراف کند هزینه سفر و اقامت و غیره از کیسه پر فتوت ارباب پرداخت شده است و یا داوطلب ناشناس عاشق آمریکا و عجیب اینکه اصلاحاتچپانی که فعلا با رژیم جمهوری اسلامی بهم زده اند و مقیم آمریکا شده اند با تمام بی ابرویی و شرفناختگی شان حاضر به شرکت در نشست کاخ سفید نشده اند و از ارتکاب به آن شرم کرده اند، اسدالله خان، اما، به اندازه اینان هم شرم را نمی شناسد.

هدف از انجام تمام این حقه بازی ها و شوهای مسخره آب به آسیاب جمهوری اسلامی ریختن است که، آری سلطنت طلبان مشتکی جاسوس و نوکر آمریکا هستند، تا مردم ایران نیز فریب خورده و بر پایه " میهن پرستی ایرانی " از آنها نفرت و انزجار پیدا کنند و در نهایت دچار سرخوردگی و ناامیدی شوند و آخوند ها هم به نیروهای سرکوبگر خود تلقین کنند که، این ها همه مزدوران آمریکا هستند، پس نابودشان کنید.

اعلام پذیرش رهبری نجات ایران از سوی رضا شاه دوم، عملیات و فعالیت های شدیدی را از سوی دشمنان ایران و نظام پادشاهی سبب شده است که باکی نیست، بر عهده و خیشکاری میهن پرستان و بویژه شهیاران است که بی پروا شراره های آتش سوزان نبرد رهایی بخش را تا آزادی آریا خاک شعله ور نگهدارند، به دام فریب و ترفند بیگانگان گرفتار نشوند، از افشای پلیدی ها و دسیسه ها نهراسند، دلسرد و نا امید نشوند که روز پیروزی روشنایی بر تاریکی و شکست اهریمنان و دیوان دور نیست. پاینده ایران.

خوشا کسی که در این راه بی حجاب رود

حجاب راه تویی حافظ از میان برخیز

**دکتر مسعود خوشنود**

دبیر کل سازمان رستاخیز ایران

6 مرداد ماه 1385